

قدم صدق

در دستگاه سیدالشهداء علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قدم صدق در دستگاه سيد الشهداء عليها السلام

نويسنده:

صادق حسيني شيرازي

ناشر چاپي:

موسسه الارسول اكرم (ص)

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	قدم صدق در دستگاه سید الشهداء علیها السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	بسم الله الرحمن الرحيم
۶	گام های راستین
۸	در خانه او منبر نرو!
۹	ضرورت تأسیس رسانه های حسینی
۹	شعائر حسینی و فرهنگ سازی
۱۰	اراده تکوینی خدای متعال و گسترش شعائر حسینی
۱۱	اصحاب امام حسین علیه السلام
۱۱	مشکلات وهابی ها
۱۳	پی نوشتها
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

قدم صدق در دستگاه سید الشهداء علیها السلام

مشخصات کتاب

یادبود مرحوم مغفور سلاله السادات
 حاج سید حسین حسینی آفرین رحمه الله علیه
 یادش گرامی روحش شاد
 سخنرانی حضرت آیت الله العظمی
 نویسنده: حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه
 ناشر: موسسه رسول اکرم (ص)

بسم الله الرحمن الرحيم

عظم الله أجورنا وأجوركم بمصابنا بالحسين صلوات الله عليه

وجعلنا وإياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهدي صلوات الله عليه وعجل في فرجه الشريف.

از خدای متعال می‌خواهم خدمات همه عزاداران سیدالشهدا علیها السلام را به بهترین وجه بپذیرد. ما عاشورای امسال زنده بودیم ولی معلوم نیست در عاشورای آینده چه کسی توفیق خدمتگزاری می‌یابد و چه کسی نزد مولایش می‌رود و پاداش خدمات خود را دریافت

می‌دارد. در سال‌های گذشته مرحوم اخوی آیت الله العظمی سید محمد شیرازی و نیز مرحوم اخوی زاده مرحوم آیت الله سید محمد رضا شیرازی اعلی الله درجاتهما بارها در چنین مجالسی حضور می‌یافتند ولی امروزه در میان ما نیستند. آنها و دیگر خادمان سیدالشهدا هر قدر در راه اقامه شعائر حسینی کوشش و رنج و ترس را به جان خریدند امروزه در کنار مولایشان خشنود و خرسندند. در روایت آمده است که یکی از یاران امام صادق علیها السلام به ایشان عرضه داشت: دلم هوای زیارت بارگاه پدرت [حضرت سیدالشهدا علیها السلام] را می‌کند و [لی] وقتی به زیارت می‌روم تا موقعی که باز

می‌گردم دلم از ترس سلطان و خیرچینان و مأموران در تب و تاب و ترسان است. حضرت به او فرمودند: آیا دوست نداری خدا ببیند که به خاطر ما ترسیده‌ای؟ آیا نمی‌دانی هر که برای ما بترسد خدا او را در سایه عرش خود جای می‌دهد و حسین علیها السلام در زیر عرش هم سخن او خواهد بود و خدا او را از هراس‌های قیامت ایمن می‌دارد. مردم در آن روز دچار بیم می‌شوند ولی او باکی ندارد و اگر هراسناک شود فرشتگان او را آرام می‌کنند و دلش به مژده آرامش می‌یابد.

گام‌های راستین

در فقره آخر زیارت عاشورا که حدیث صحیح قدسی است و به واسطه معصومان علیهم السلام از سوی خدا به دست ما رسیده آمده است: «وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنَيْنِ، الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ خدایا برای من نزد خود قدم صدقی با حسین و یارانش قرار ده؛ همان کسانی که خون قلبشان را فدای امام حسین کردند». و خود را جلو انداختند تا امام حسین زودتر کشته نشوند.

تعبیر «قدم صدق» در این جا شایسته تأمل فراوان است. قدم به همان معنای گام و قدم فارسی است ولی قدم راست یا قدم راستین

چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ مگر قدم انسان راست و دروغ دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است. قدم از این جهت مثل لسان و لسان صدق است که در قرآن از آن سخن رفته است. خدای متعال از زبان ابراهیم علیه وعلی نبینا وآله السلام می‌فرماید: «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» [پروردگارا] برای من در میان امت‌های آینده، زبان صدق و آوازه نیکی قرار ده. زبان انسان همان طور که ممکن است راست بگوید، ممکن است گاهی به گفتار دروغ بچرخد. به همین سان، «قدم صدق» هم داریم و بهترین شاهد آن خود قرآن کریم است که می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که نزد پروردگارشان قدم صدق [و منزلتی راستین] دارند». این معنا در متون روایی و دعاها و زیارات نیز بارها آمده است؛ برای نمونه در دعای روز غدیر می‌خوانیم: «واجعل لنا قدم صدق مع المتقين؛ [پروردگارا] برایم به همراه پرهیزگاران قدم صدقی ثبت و ضبط بفرما».

«قدم» در چنین مواردی کنایه از «اقدام» است. چنان که می‌دانیم همه اقدام‌ها با «قدم» و حرکت و رفتن آغاز می‌شود؛ مثلاً کسی که قصد اقامه شعائر حسینی دارد از جا بر می‌خیزد، در مجلس عزای حضرت سیدالشهدا علیها السلام شرکت می‌کند، منبری دعوت می‌کند، در هیئت‌ها حضور می‌یابد، حسینه می‌سازد، کمک و تشویق می‌کند و ...

از آن جا که همه اقدام‌ها با «قدم» نخست آغاز می‌شود، قدم در کلام فصیح کنایه از اقدام است.

این کلمه در فقره پایانی زیارت عاشورا نیز آمده است. کسی که زیارت عاشورا می‌خواند در پایان زیارت و در حالت سجده از درگاه باری تعالی قدم صدق می‌طلبد. و می‌گوید: خدای چنان کن که این زیارت و اقدام من «راست» باشد. مگر کسی که زیارت عاشورا را با آن همه لعن و سلام و تعابیر والا می‌خواند و امام را با چنان تعابیر ژرفی زیارت

می‌کند، اقدام نیکویی انجام نداده است؟ شخصی در چنین مقام چرا باید به سجده برود و از خدا بخواهد این اقدام او را اقدامی راستین ثبت و ضبط بفرماید؟ مگر ممکن است چنین کاری «راست» نباشد؟ اساساً راست نبودن چنین اقدامی چگونه متصور است؟ در پاسخ این پرسش‌ها باید گفت: چرا که نه. زهیر بن القین رضوان الله علیه با امام حسین علیها السلام به کربلا آمد. بیش از هزار تن دیگر نیز مثل زهیر بن القین با حضرت به کربلا آمدند. آنها هم همان اقدامی را انجام دادند که جناب زهیر بن القین کرد، و درست در همان راهی قدم نهادند که زهیر نهاد. ولی قدم آنان بر خلاف قدم راستین او، «قدم کذب» بود؛ چون همه آنان شب عاشورا امام را تنها گذاشتند. اگر قدم آنان، قدم صدق بود مانند زهیر در کنار امام خود می‌ماندند و سعادت دنیا و آخرت را برای خود می‌خریدند.

در این زیارت شخص از خدا می‌خواهد او را از کسانی قرار ندهد که برای امام حسین علیها السلام قدم‌های دروغین برداشته اند. همان کسانی که کار را به پایان نرساندند و در نهایت به اشکال تراشی در عزاداری، یا مبارزه با عزاداران پرداختند. چنین کسانی هر چند ابتدا در مسیر درستی بودند و اقداماتی داشتند ولی قدم‌ها و اقداماتشان دروغ بوده است. دلیل دروغ بودن اقداماتشان عاقبت آنان است. این افراد تحت شرایط خاصی از ادامه راه بازماندند و مسیر خود را عوض کردند. اگر اقدامات آنان راستین بود، چنین نمی‌شد و همان مسیر صحیح را ادامه می‌دادند. برخی از افراد در طول تاریخ برای امام حسین علیها السلام اقدامات به ظاهر خوبی انجام دادند و شعائر حسینی را تشویق کردند و در راه گسترش عزاداری قدم برداشتند و حتی بعضاً خود نیز در اقامه عزای شرکت می‌جستند ولی بعدها به مخالفت با عزاداران و کارشکنی در شعائر پرداختند.

برخی از افراد مسن نقل می‌کنند که پهلوی اول در ابتدای به دست گرفتن قدرت، عزاداری‌ها و دسته جات را تشویق می‌کرد و خود شخصاً در دسته جات عزاداری شرکت می‌کرد. بنده شاید عکس حضور او را در دسته عزاداری عاشورا در حالی که به پیشانی خود گل مالیده بود در روزنامه‌های گذشته دیده باشم. اما این کار او مصداق قدم صدق نبود چون پس از سال‌ها تشویق عزاداری‌ها و مشارکت در شعائر، راه خود را عوض کرد و نه تنها در عزاداری‌ها شرکت نکرد بلکه به مبارزه با شعائر حسینی پرداخت. او همه

انواع عزاداری را ممنوع اعلام کرد و اقامه کنندگان شعائر را مورد مؤاخذه، شکنجه و حبس قرار داد و عزاداران را در تنگنای شدیدی قرار داد.

نقل می‌کنند در آن زمان برگزاری مجالس عزاداری با محدودیت‌های شدیدی از سوی دولت مواجه بود و اگر مأموران دولتی از برگزاری مجلس روضه‌ای با خبر می‌شدند جریمه سنگینی از سخنران و صاحب مجلس می‌ستاندند و بقیه شرکت کنندگان را هم به مبالغ کم تری جریمه می‌کردند و چه بسا پروانه کسب افراد را باطل می‌کردند. از همین روست که باید از خدا بخواهیم خدمت‌ها، سوگواری‌ها و اقدامات ما را در نزد خود قدم راستین قرار دهد و ما را در این راه ثبات قدم بخشد.

بنده اگر زمان پهلوی اول را درست به یاد نیاورم ولی ابتدای بر سر کار آمدن حزب بعث را در عراق به خوبی به یاد دارم. در سال ۱۳۶۸ میلادی وقتی بعثی‌ها برای بار دوم بر عراق مسلط شدند. آنها در ابتدای کار تا یکی دو سال تمام عزاداری‌ها را آزاد گذاشتند و حتی نقل شد که برخی از مسئولان بلندپایه آنان شخصا در مراسم عزاداری شرکت

می‌کردند ولی بعدها یکی یکی شروع به ممانعت از عزاداری‌ها کردند و کار را به جایی رساندند که اگر کسی پیاده به زیارت حضرت سیدالشهدا علیها السلام

می‌رفت او را می‌کشتند و هزاران نفر را بدین شکل به قتل رساندند.

در خانه او منبر نرو!

در حدود صد سال پیش یا بیشتر در عراق خطیب توانایی به نام سید صالح حلی می‌زیست که از شاگردان مرحوم سید محمد کاظم یزدی بود و می‌گفتند مجتهد است. او خطیب نام آوری بود و در شهرهای مختلف برای سخنرانی و منبر دعوت می‌شد. از جمله یکی از تجار معروف در یکی از شهرهای عراق هر سال او را دعوت می‌کرد. یک سال آن تاجر به عادت سالانه او را برای منبر دعوت کرد ولی با کمال تعجب مشاهده کرد که سید صالح حلی از پذیرفتن دعوت او عذرخواهی می‌کند. گفت: اگر مسئله پول در میان است من مشکلی ندارم و اگر وقت ندارید می‌توانم زمان مجلس روضه را هر ساعت از شب یا روز که وقت داشته باشید تغییر دهم. اما سید صالح هم چنان عذر خواست و هر قدر آن تاجر اصرار کرد سودی نبخشید. علت را که جویا شد، سید صالح حتی حاضر نشد دلیل نیامدنش را هم بگوید. صاحب عزا که شاید از حرف مردم هم می‌ترسید و خوف آن داشت که آبرویش برود افرادی را واسطه قرار داد تا از سید صالح بخواهند امسال هم مثل سال‌های گذشته در منزل آن بازاری منبر برود.

اما این کار هم فایده‌ای نداشت. لذا آن بازاری دست به دامان استاد او یعنی سید محمد کاظم یزدی شد و از او خواست پادرمیانی کند. مرحوم صاحب عروه، آن خطیب را خواست و گفت: شما هر سال در منزل فلان بازاری منبر می‌رفته‌اید ولی امسال از این کار عذر خواسته‌اید. عرض کرد. بله گفت: چرا؟ مرحوم سید صالح این جا هم از این که علت نرفتن را بگوید عذر خواست و گفت: شما استاد من هستید. بنده دست شما را می‌بوسم، ولی از من نخواهید علت را بگویم. چند سالی بنده در منزل ایشان خدمتگزار سیدالشهدا علیها السلام بودم، چند سال هم شخص دیگری این خدمت را انجام دهد. مرحوم صاحب عروه به او فرمودند: من به تو امر می‌کنم در خانه او روضه بخوانی. سید صالح عرض کرد: به روی چشم، ولی حال که امر فرمودید و کار به این جا رسید علت را می‌گویم. ولی دوست ندارم دیگران بدانند. بنده خود آقا سیدالشهدا علیها السلام را در عالم خواب دیدم که به من فرمودند: سید صالح! در خانه این شخص منبر نرو! عرضه داشتم به روی چشم، ولی اگر صلاح می‌دانید علتش را هم بیان بفرمایید. حضرت فرمودند: خدای متعال ثروت بسیاری به این شخص عنایت کرده است ولی او با من مثل گدا رفتار می‌کند [آن بازاری با این که توان مالی بسیاری داشت ولی در تهیه مایحتاج مجلس عزاداری همیشه در پی اجناس ارزان بود و مثلاً ارزان‌ترین و بی کیفیت‌ترین انواع برنج و روغن و ... را برای مجلس روضه خریداری می‌کرد]. مرحوم صاحب عروه با شنیدن این سخن منقلب شد و فرمود:

حال که چنین است من دستور خود را پس گرفتم. در خانه او منبر نرو.

این نکته را فراموش نکنیم که در دستگاه سیدالشهدا علیها السلام هر کس باید به اندازه توش و توان خود گام بردارد و از هر کس به اندازه توان او انتظار می‌رود. ممکن است کسی برای مجلس روضه

خانگی اش برنج نیم دانه و لاشه تهیه کند و حضرت سیدالشهدا علیها السلام همان را از او به بهترین نحو بپذیرد و ثبت فرماید؛ چرا که بیش از این مقدار از او برآورده نیست و قدرت ندارد. اصلاً ممکن است جوانی همین مقدار هم قدرت نداشته باشد و نتواند مجلس سوگواری برگزار کند ولی این توان را دارد که دیگران را به این مهم تشویق کند و از زبان و دیگر نعمت های خداداد خود در راه امام حسینعلیها السلام استفاده کند.

ضرورت تأسیس رسانه های حسینی

اما از افرادی که مکنت و توان بیشتری دارند انتظار بیشتری می‌رود. کسانی که توان خدمت بیشتر دارند باید از نعمت هایی که خدا در اختیارشان نهاده بهتر و بیشتر در راه امام حسینعلیها السلام استفاده کنند. ممکن است کسی به تنهایی یا با کمک افراد دیگر بتواند یک ماهواره ویژه به نام امام حسینعلیها السلام بزند که شب و روز به زبان های گوناگون درباره آن حضرت برنامه پخش کند. شاید کسی این توان را نداشته باشد ولی بتواند هزینه چنین کارهایی را از افراد خیر جمع آوری کند، دست به تشویق دیگران بزند، و نیروها و افراد را مدیریت کند. خدا می‌داند امروز به چه نام‌ها و تحت چه عناوینی که این جا نمی‌خواهم ذکر کنم هزاران شبکه ماهواره ای مشغول گمراه کردن مردم و دروغ پراکنی هستند و مردم را علیه اهل بیتعلیهم السلام و ضد امام حسینعلیها السلام و ضد حضرت زهراعلیها السلام شستشوی مغزی می‌دهند. چقدر شایسته است که یک شبکه ماهواره ای به نام نامی حضرت سیدالشهدا علیها السلام و به همت مؤمنان راه اندازی شود و تمام نقاط جهان را با نام و برنامه‌ها و آموزه‌ها و شعائر حسینی پوشش دهد. این کار شاید یک شبه و به دست یک تن انجام پذیر نباشد، ولی اگر مؤمنان همت کنند می‌توانیم امیدوار باشیم که ان شاءالله در سال آینده شاهد حضور دست کم یک شبکه ماهواره ای به نام امام حسینعلیها السلام باشیم. بنده این پیشنهاد را به برخی از افراد که تصور می‌کردم قدرت این کار را دارند، دادم ولی تا کنون متأسفانه شاهد این پدیده مبارک نبوده‌ایم. در این میان کسانی که قدرت مالی بیشتری دارند مسئولیت سنگین تری متوجه آنان است. حتی افراد ضعیف تر یا جوانانی که هیچ چیز ندارند ولی خدا به آنان زبان و بیان و همت داده است باید در این راه تلاش نمایند. مگر انبیا و مراجع تقلید چگونه عمل می‌کردند؟ آنها نیز ثروت چندانی در دست نداشتند و دیگران را با زبان تشویق به خیر می‌کردند.

شعائر حسینی و فرهنگ سازی

یکی از فوائد تشکیل این شبکه ماهواره ای فرهنگ سازی در زمینه شعائر حسینی است. شعائر حسینی نیاز به تلاش فرهنگی و فرهنگ سازی دارد.

در زمان پهلوی اول در کشور ایران روز عاشورا تعطیل رسمی نبود، در آن روز ادارات باز بود و کسی که مغازه اش را می‌بست مرتکب جرم شده بود. اما امروزه علاوه بر ایران نقاطی از جهان در روز عاشورا تعطیل رسمی است که ربع جمعیت زمین را در خود جای داده است. یکی از این کشورها هند است که به گفته خودشان بیش از هشتاد درصد جمعیت یک میلیاردی این کشور بت پرست هستند و نشان هایی که روی پرچم و پول رایج آنان قرار دارد آشکارا گویای همین معناست. عده شیعیان هند کم تر از ده درصد است. یعنی کسانی که در هند امام حسینعلیها السلام را امام معصوم می‌دانند اقلیتی زیر ده درصد را تشکیل می‌دهند. ولی با

این حال بیش از پنجاه سال است که روز عاشورا در هند تعطیل رسمی است. معنی این سخن این است که در میان این جمعیت یک میلیاردی، حتی گاوپرستان و بت پرستان و ستاره پرستان هم مشمول این تعطیلی هستند و در روز عاشورا دست از کار می‌کشند. چنین چیزی نتیجه فرهنگ سازی است و با اقدامات فرهنگی و رسانه ای است که می‌توانیم شاهد چنین اقدامات مبارکی باشیم. اساساً امام حسینعلیه السلام فقط به شیعیان تعلق ندارد در چهار گوشه جهان بسیارند کسانی که مسلمان هستند و حتی خدا را هم معصوم

نمی‌دانند (!) اما امام حسینعلیه السلام را به عنوان نوه پیغمبر، امامزاده، انسان بزرگ و شخصیت والا قبول دارند. و کتاب های بسیاری درباره ایشان نوشته اند و احادیث بسیاری از ایشان نقل کرده اند.

شاید مقام امام حسینعلیه السلام در نزد این گروه چیزی در حدود مقام حضرت ابوالفضل العباسعلیه السلام و حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در نزد ما باشد. به هر حال این افراد امام حسینعلیه السلام را دوست دارند. ولی با این حال مشاهده می‌کنیم که متأسفانه روز عاشورا در بسیاری از کشورهای اسلامی تعطیل رسمی نیست. چنین کاری نیازمند همت و فرهنگ سازی است. وقتی علاوه بر مجالس عاشورای شهرهای قم، تهران، مشهد، عراق و هند، سوگواری های مردم استرالیا و افریقا و امریکا و نواحی قطب و کافران هند به وسیله یک شبکه ماهواره ای به مردم دنیا نشان داده شود تأثیر بسیاری در این زمینه دارد و موجب تحول فرهنگی می‌شود.

چه بسیار کافرانی که در چهار گوشه جهان برای امام حسینعلیه السلام روضه می‌گیرند، سوگواری می‌کنند، شعر می‌سرایند و کتاب چاپ می‌کنند. کسانی که از هند آمده اند بارها گفته اند حتی شاعران کافر برای امام حسینعلیه السلام شعر می‌سرایند و دیوان شعر چاپ می‌کنند. این‌ها نتیجه فرهنگ سازی است. آیا امام حسینعلیه السلام نباید یک شبکه مستقل ماهواره ای داشته باشد؟ اگر جوانان شیعه آستین همت بالا زنند دیگران این کار را خواهند کرد و این افتخار به نام آنان ثبت خواهد شد؛ زیرا کفار هم از آن حضرت استفاده می‌کنند و چه بسیار کلیمیان و مسیحیانی که طی تاریخ در پرتو شمس وجود سیدالشهدا علیها السلام مسلمان و شیعه شده اند.

اراده تکوینی خدای متعال و گسترش شاعر حسینی

این تصمیم تکوینی خداست که شعائر حسینی به رغم ممانعت‌ها روز به روز گسترش یابد. خدای متعال مشیت فرموده است که خورشید بتابد، ماه نور بیفشاند، و زمین جاذبه داشته باشد، ماه و خورشید چاره ای جز تابیدن ندارند و کره زمین نمی‌تواند جاذبه نداشته باشد. درست به همین سان خدای متعال مشیت فرموده است که دستگاه سیدالشهدا علیها السلام به رغم ممانعت‌ها و کارشکنی‌ها روز به روز گسترش یابد و این وعده تکوینی و قطعی خداست که هیچ کس قادر به تغییر آن نیست.

رسول خدا فرمودند: «وليجتهدن أئمة الكفر وأشیاع الضلالة فی محوه و تطمیسه، فلا یزاد أثره إلا ظهوراً وأمره إلا علواً؛ هر قدر ائمه کفر و پیروان ضلالت در زدودن و از بین بردن نشانه های [کربلا] بکوشند روز به روز اثر آن پدیدارتر و نام آن بلند آوازه تر می‌شود». حضرت در این جا فقط نفرموده اند این تلاش های نافرجام سودی ندارد بلکه فرموده اند نتیجه عکس دارد و باعث گسترش و افزایش بیش از پیش آن می‌شود. تا پنجاه سال قبل شعائر حسینی فقط در ایران و عراق و هند و نقاطی از خاورمیانه وجود داشت. اما امروزه در کنار کاخ سفید و کاخ کرملین، و مناطق نزدیک قطب به زبان های مختلف عزاداری حضرت اقامه می‌شود و روز به روز رو به گسترش است.

نکته اینجاست که زمامدارانی که مانع اقامه شعائر حسینی می‌شوند در کلام رسول خدا «ائمه کفر» نام گرفته اند. پس پهلوی اول که خود را مسلمان و شیعه می‌دانست از ائمه کفر بود. صدام نیز خود را کلیمی یا مسیحی نمی‌دانست و دم از مسلمانی می‌زد ولی طبق

فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و اله چون در پی زدودن آثار سیدالشهدا علیها السلام بود از پیشوایان کفر است، هر چند خود را مسلمان می‌نامید.

اصحاب امام حسین علیه السلام

در این فقره پر معنی از زیارت عاشورا از خدا

می‌خواهیم در نزد خود برایمان قدمی صدقی با امام حسینعلیها السلام و یاران امام حسینعلیها السلام منظور دارد؛ همان کسانی که خود را فدا کردند تا حضرت اندکی دیرتر به شهادت برسد خدای متعال در این فقره می‌توانست به همین بسنده کند که بگوید: «وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ» آیا همین کافی نبود؟ معلوم می‌شود از نظر خدا این کافی نیست. لذا علاوه بر امام حسینعلیها السلام، یاران فداکارشان را هم یاد کرده و همراهی با آنان را هم لازم می‌داند. یعنی باید از خدا بخواهیم برایمان قدم صدقی با حسین و یاران حسین که درود خدا بر آنان باد مقدر فرماید.

امام حسینعلیها السلام دو دسته اصحاب داشتند: یک عده که ایشان را تنها گذاشتند و عده انگشت شمار دیگری که تا پای جان در کنار ایشان ایستادند و به فوز عظیم شهادت دست یافتند. این کار آنان به قدری مهم است که خدای متعال از آن یاد می‌کند و می‌فرماید: «بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

امام حسینعلیها السلام به اصحاب بزرگوارشان فرموده بودند که این جماعت فقط با من کار دارند و مرا می‌خواهند. لذا هر یک از شما که با من بماند قطعاً کشته خواهد شد. آن رادمردان با این که یقین داشتند امام حسین کشته می‌شوند و اگر در کنار حضرت بماند قطعاً کشته می‌شوند در رکاب ایشان ماندند و جانفشانی کردند. به واقع آنها جانشان را فدای حضرت کردند تا ایشان چند ساعتی دیرتر به شهادت برسد و دمی بیشتر بماند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم درباره به تأخیر انداختن شهادت امام حسینعلیها السلام فرموده بودند «یک قطره از خون کسانی چون ابا الفضل العباس و علی اکبر علیهما السلام از عالمی با ارزش تر است ولی ارزش آن را دارد که ریخته شود تا شهادت امام را به تأخیر اندازد؛ چرا که یک لحظه از لحظات عمر شریف امام حسینعلیها السلام از خلقت بالاتر است».

اقدام این افراد به راستی قدم صدق بود و ما باید از خدا توفیق همراهی با آنان را بخواهیم و هیچ وقت کار پهلوی اول یا مأمون عباسی را انجام ندهیم. مأمون هم در ابتدا زیارت قبر ابا عبدالله الحسینعلیها السلام را آزاد اعلام نمود ولی بعدها جلو این کار را گرفت.

اراده تکوینی خدا بر این تعلق گرفته است که نام و یاد حضرت سیدالشهدا علیها السلام به رغم همه ممانعت‌ها و کارشکنی‌ها روز به روز بلند آوازه تر شود. این مشیت الهی است و کسی نمی‌تواند مانع آن شود. مهم آن است که در این میانه ما بکوشیم در این قافله باشیم و به جمع یاران حضرت سیدالشهدا علیها السلام پیوندیم و چنین چیزی را صادقانه از خدا بخواهیم.

مشکلات وهابی‌ها

یکی دیگر از فوائد ایجاد یک شبکه مستقل ماهواره ای با موضوع امام حسینعلیها السلام این است که موجب کاهش مشکلات وهابی‌ها می‌شود. بسیاری از وهابی‌ها به ویژه جوانان وهابی شستشوی مغزی شده اند و به جای آن که ندای حق و حقیقت به گوششان برسد تحت تبلیغات مسموم دشمنان اهل بیتعلیهم السلام قرار گرفته اند. لذا در صورت گفتگو و مواجهه صحیح، تسلیم حقیقت می‌شوند، هم چنان که امروزه بسیاری از جوانان وهابی به آیین زندگی بخش تشیع گراییده اند. البته این مقدار کم است و

در صورت فرهنگ سازی، آهنگ گرایش جوانان حقیقت جو به تشیع افزون تر خواهد شد.

وهابی‌ها بین صد تا دویست سال پیش چندین بار به کربلا و نجف یورش بردند و حرم‌های مطهر را ویران کردند. تنها در یک یورش پنج هزار را در کربلا کشتند. مگر شهر کربلا در صد و اندی سال پیش چند تن سکنه داشته است که وهابی‌ها پنج هزار تن از آنان را قتل عام کرده‌اند؟ کافی است به کتاب شهداء الفضیله نوشته مرحوم علامه امینی مراجعه کنید و ببینید چه عالمان بزرگوار در این جنایات به دست وهابی‌ها به شهادت رسیده‌اند.

وهابی‌ها چرا چنین کردند و دست به این جنایات زدند؟ آنها معتقدند گنبد و بارگاه در زمان پیغمبر نبوده و بدعت است. در حقیقت مشکل آنان یک مشکل علمی و فکری است و از بی سواد بودن ناشی می‌شود. اما ما نباید مثل آنان بی سواد باشیم. برای روشن شدن موضوع ذکر یک مسئله علمی لازم است:

ما در مسائل علمی یک «عام» داریم و یک «خاص». وقتی پدر کسی به او بگوید: «این غذا را میان مردم تقسیم کن» و بعدها اضافه کند که «به فلانی و فلانی غذا نده» جمله اول «عام» و جمله دوم «خاص» است. در این مثال پسر باید به همه غذا بدهد جز کسانی که پدر استثنا کرده است. یعنی به اصطلاح خاص، عام را کنار می‌زند. اما گاهی عام به قدری قوی است که خاص را کنار می‌زند. آنها در کتاب هایشان از قول رسول خدا صلی الله علیه و اله آورده‌اند که وقتی کسی را به خاک می‌سپارید قبر او را بیش از چهار انگشت بالا نیاورید. این حدیث یک بحث علمی گسترده‌ای را ایجاد کرده است مبنی بر این که آیا منظور پیغمبر چهار انگشت بسته بوده است یا چهار انگشت باز؟ به عبارت دیگر آیا جایز است ارتفاع قبر را بیش از چهار انگشت بسته ولی کم تر از چهار انگشت باز بالا بیاوریم یا خیر. این مسئله در کتاب‌های فقهی مثل حدائق، مستند، جواهر الکلام، موسوعه الفقه و ... آمده و ما نیز مانند آنان روایاتی در این زمینه داریم. آنها

می‌گویند چرا قبر امام حسینعلیها السلام باید ضریح دو متری و گلدسته بیست متری داشته باشد. باید آن را هم مثل بقیع خراب کنیم و حداکثر چهار انگشت قرار دهیم و جلو بدعت شما شیعیان را بگیریم.

در پاسخ به این شبهه ساده اندیشانه وهابیان

می‌گوییم: خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس شعائر الهی را بزرگ بدارد این کار نشانه پرهیزگاری دل‌هاست».

خدای متعال لذا شعائر الهی را ستوده و آن را نشانه تقوای قلبی دانسته است ولی مصادیق شعائر الهی را بیان نفرموده و نگفته است شعائر الهی کدام است. درست مثل این که فرموده است با خاک تیمم کنید و با آب وضو بگیرید ولی نفرموده است خاک چیست یا آب چیست. لذا هر چیزی که اسم آن آب باشد (البته آب مطلق، نه مضاف) می‌توان با آن وضو گرفت.

در این جا هم خدا ما را به تعظیم شعائر فرمان داده است ولی نفرموده تعظیم شعائر کدام است. هر چه عرفاً شعائر باشد تعظیم آن مورد پسند خداست و این حکم عام آن قدر نیرومند است که آن مسئله چهار انگشت بالا آوردن قبر را کنار می‌زند. بله، بالا آوردن قبر افراد عادی و درست کردن گنبد و بارگاه برای آنان حتی اگر مؤمن باشند از شعائر نیست. ولی درست کردن گنبد و بارگاه برای امام حسینعلیها السلام شعار اسلام است. لباس مشکی بر تن کردن و سیاه پوش کردن کوی و برزن در عزای سالار شهیدان هم مشمول همین حکم است. ما روایت داریم که پوشیدن لباس مشکی مکروه است ولی این کار اگر برای امام حسینعلیها السلام باشد نه تنها مکروه نیست بلکه مستحب است و نماز خواندن با آن فضیلت افزون تری دارد. به عبارت دیگر اگر ما در ماه ذی الحجّه با لباس مشکی نماز بخوانیم از فضیلت نماز ما می‌کاهد ولی اگر در محرم برای امام حسینعلیها السلام لباس مشکی بر تن کنیم نماز خواندن با آن فضیلت نماز را دو چندان می‌کند. علت این امر آن است که لباس مشکی شعار و نشانه عزای سیدالشهدا علیها السلام است. وقتی بیگانه‌ای در ایام محرم الحرام وارد شهرهای ما شود و ببیند در و دیوار را با پارچه سیاه پوشانده‌اند و علم‌های سیاه بر

در خانه‌ها آویخته اند، و پرس و جو کند، در خواهد یافت که ما امام حسینعلیها السلام را تعظیم و تجلیل می‌کنیم. هر چیزی از این قبیل باشد مصداق تعظیم شعائر و مستحب است و لذا نشانه تقوای قلوب می‌باشد. علت و ملاک این مسئله قوی تر از حکم چهار انگشت قبر است و آن را کنار

می‌نهد. میان مشکی پوشیدن برای امام حسینعلیها السلام و قبه و بارگاه درست کردن برای ایشان هیچ فرق وجود ندارد و هر دو تعظیم شعائر و از تقوای قلوب است.

ما هم می‌دانیم چنین گنبد و بارگاه‌هایی در زمان پیغمبر نبوده است ولی نه تنها بدعت نیست بلکه عین دین و دیانت است. چنین سست مغزانی فکر می‌کنند بارگاه مقدس حضرت سیدالشهدا علیها السلام بدعت است!! آیا باید آستان مقدس حضرت ثامن الحجج را فقط چهار انگشت بالا-بیاوریم تا بدعت نباشد؟! به راستی که برخی از افراد فرسنگ‌ها از حقیقت دورند و نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند بدانند...

عده ای از این افراد به زیارت عاشورا اشکال

می‌کنند، اما همین اشکالی که این بی‌خبران ادعا می‌کنند، باید عین همان را در زیارت وارث، زیارت ناحیه، زیارت غدیریه، دعای ندبه، عزاداری‌ها و هزاران چیز دیگر هم ادعا کنند. ولی این افراد جرأت این کار را ندارند و یکی یکی و آرام آرام شروع به تشکیک در باورها و متون مقدس

می‌کنند. پهلوی و صدام هم قدم به قدم و یکی یکی اقدام کردند. زیرا معمولاً هیچ کس نیست که مثل وهابی‌های سبک مغز یکدفعه همه چیز را از اساس منکر شود و بدعت بخواند.

چنین اشکالاتی را طی هزار سال هیچ یک از علما مطرح نکرده اند و نادانانی که این شبهات وهابی‌ها را می‌پراکنند باید این قدر جرأت داشته باشند که یک بار پرده از چهره خود بردارند.

من از جوانان مؤمن استدعا می‌کنم که خودشان هم اندکی در پی این مسائل باشند و در این باره مطالعه و پی‌جویی کنند.

از خدای متعال می‌خواهم در مسیر اهل بیتعلیهم السلام به همه ما ثبات قدم و قدم صدق عنایت فرماید.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

. این گفتار در شام غریبان حسینی ۱۴۳۰ (۱۸ دی ماه ۱۳۸۷) در جمع شمار فراوانی از دستجات عزاداری و سوگواران حسینی ایراد گردیده است.

پی‌نوشتها

. شعراء (۲۶)، آیه ۸۴.

. یونس (۱۰)، آیه ۲.

. شیخ مفید، کتاب المزار، ص ۹۴ (باب الصلاة یوم الغدیر ورعائه)؛ مصباح المتعجد، ص ۷۵۰. در نسخه تهذیب عبارت یاد شده بدین گونه است: «واجعل لنا قدم صدق مع النبیین».

. یک سال پس از غضب قدس توسط صهیونیست‌ها. بعضی‌ها بر مسلمانان منت نهادند که ما می‌خواستیم سال ۶۷ کودتا کنیم ولی چون دیدیم مسلمانان گرفتار غضب قدس هستند این کار را یک سال به تأخیر انداختیم.

. بنده بارها این نکته را یادآوری کرده ام که خواب غیر معصوم حجت نیست، مگر این که با آیات و روایات یا واقع خارجی مطابقت داشته باشد. مثلاً اگر شخصی خواب دید فلان شخص بچه دار شد و فردای آن روز خدا فرزندی به آن شخص داد، این خواب رؤیای صادقه است چون با واقع خارجی مطابقت دارد. هم چنین اگر کسی خواب دید سلمان در بهشت، یا شمر در جهنم

است این رؤیای صادقه است، چون با موازین شرعی و روایات مطابق است.

. حج (۲۲)، آیه ۳۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

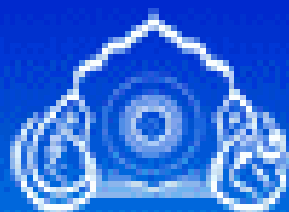
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

